خبر روز

پلیس به مأموریت ۳ مامورنمای قلابی پایان داد

جلائیان| « ما در حال انجام مأموریت هستیم. باید یک متهم را پیدا کنیم که ممکن است در میان کارتن خواب‌ها و معتادان متجاهر پنهان شده باشد»؛ این بخشی از ادعای سه جوان مأمورنما بود که در حاشیه میدان امام حسین(ع) و در محدوده خواجه ربیع مشغول اخاذی از شهروندان و کارتن خواب‌ها بودند. این سه جوان پس از تهمت زدن به افراد مختلف، آنها را بازرسی بدنی کرده و در حین این کار، پول، موادمخدر و دیگر اموال باارزش قربانیان خود را سرقت می‌کردند. یکی از قربانیان این مأمورنماها، یک کارگر ساختمانی میان‌سال بود؛ مردی که پس از انجام یک روز کاری، با اندک مزدی که گرفته بود، داشت به خانه بازمی‌گشت که متهمان راهش را بستند. آن‌ها با تکرار همان ادعای قبلی، به بازرسی بدنی و خالی‌کردن جیب‌های این مرد پرداختند. یکی از این سه جوان، گوشی و پول این مرد را برداشت. کارگر ساختمانی که به این سه جوان شک کرده بود، برای پس‌گرفتن پولش با آن‌ها درگیر شد؛ اما پس از یک درگیری کوتاه و کوبیدن تلفن همراهش به زمین، متوجه شد زورش به آن‌ها نمی‌رسد. او دیگر چیزی به این سه جوان نگفت، اما برای پس‌گرفتن پولش و انتقام از کتک‌هایی که خورده بود، دست به دامان مأموران کلانتری خواجه ربیع شد. با اعلام حضور سه مأمورنما در محدوده میدان امام حسین(ع) که خود را نیروی بسیجی معرفی می‌کردند، سرهنگ روحا... شجاعی، رئیس کلانتری خواجه ربیع، تیمی از مأمورانش را با هماهنگی مقام قضایی به صورت نامحسوس به محل مدنظر فرستاد؛ جایی که با راهنمایی‌های مال‌باخته، مأموران موفق به شناسایی و زیرنظرگرفتن سه متهم جوان شدند. با تأیید حضور واخاذی این سه جوان مأمورنما، مأموران در عملیاتی ضربتی، متهمان را دستگیر و خودروی پراید آن‌ها را توقیف کردند. پس از دستگیری متهمان، مأموران در بازرسی از آن‌ها و خودروی پراید، یک اسلحه پلاستیکی، دو عدد افشانه، شوکر، دستبند سازمانی و... را کشف و ضبط کردند. پس از انتقال متهمان به کلانتری خواجه ربیع، آن‌ها پس از اعتراف به جرائمشان، به دادسرا منتقل شدند.

آخر خط

قتل برادر با سناریوی زورگیری ساختگی

تسنیم| مرد شصت و پنج ساله ای در غرب تهران به دست برادرش به قتل رسید و تلاش برای فریب پلیس با طرح سناریوی زورگیری ناکام ماند. تحقیقات کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعتراف قاتل، راز اختلافات مالی و شخصی میان این دو برادر را آشکار کرد. بیست و پنجم اسفندماه سال ۱۴۰۳ مرگ مشکوک مردی سال خورده در یکی از بیمارستان های غرب تهران به بازپرس کشیک قتل گزارش شد. طولی نکشید که ماجرای این مرگ مشکوک تیم بررسی صحنه جرم را راهی سردخانه بیمارستان کرد. مأموران جسد مرد میان سالی را مشاهده کردند که به قتل رسیده بود. بررسی های اولیه نشان داد مقتول توسط برادرش به بیمارستان منتقل شده و آن ها در یکی از برج های چیتگر زندگی می کنند. خیلی زود برادر مقتول هدف تحقیق قرار گرفت و ماجرا را این طور توضیح داد: برادرم به خاطر بیماری ذهنی اش نیاز به مراقبت داشت. با او به ایران مال رفته بودیم، اما هنگام بازگشت از سوی چند زورگیر مورد سرقت قرار گرفتیم که برادرم در این جریان هدف ضرب وجرح آن ها قرار گرفت و حالش بد شد. من نیز او را به بیمارستان آوردم، اما اقدامات پزشکی فایده ای نداشت و او جان داد. بدین ترتیب پرونده برای شناسایی سارقان وارد فاز جنایی و بردار مقتول به عنوان تنها مظنون پرونده، بازداشت شد. تحقیقات ادامه داشت تا اینکه یکی از اقوام نزدیک مقتول به اداره آگاهی مراجعه کرد و از اختلافات مالی و ملکی این دو برادر پرده برداشت. همین سرنخ، شک کارآگاهان را بیشتر برانگیخت. کارآگاهان درگام بعدی راهی ایران مال شدند و با بازبینی دوربین های مداربسته، پی بردند هیچ‌گونه زورگیری رخ نداده و این یک سناریوی ساختگی از سوی برادر مقتول بوده است. متهم که در جریان بازجویی ها منکر هرگونه اختلاف با برادر خود بود، در مواجهه با مدارک موجود در پرونده، پس از هشت ماه، صبح دیروز به ارتکاب جنایتی هولناک اعتراف و عنوان کرد که برادر خود را به خاطر اختلافات شخصی در داخل حمام به قتل رسانده و سپس قصد داشته است با طراحی یک سناریوی ساختگی، پلیس را گمراه کند؛ اما ناکام مانده است. پس از پایان تحقیقات میدانی در صحنه جرم، کارآگاهان مأموریت یافتند تا با اقدامات اطلاعاتی، تحقیقات خود را در رابطه با این پرونده ادامه دهند. با دستور بازپرس ویژه قتل، متهم برای روشن شدن زوایای پنهان پرونده در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت و تحقیقات همچنان ادامه دارد.

اختلافات مالی فردی ناشناس با فروشنده لوازم یدکی، به جنایت کشیده شد

سوزاندن جوان مشهدی پشت دخل مغازه

محمدجواد ابوعطا

گزارش

جوان سی ساله حدود هشت روز با مرگ دست و پنجه نرم می‌کرد. او دچار سوختگی شدیدی شده بود؛ به حدی که پزشکان نسبت به بهبود او قطع امید کرده بودند. تلاش کادر درمان برای معالجه او ناتمام ماند و این جوان مجرد به علت شدت سوختگی، جان خود را از دست داد. بررسی کادر درمان بیمارستان در طول دوره درمان، نشان داد که این فرد با بنزین سوزانده شده است؛ موضوعی که نشان از وجود یک پرونده جنایی داشت و بلافاصله موضوع این مرگ مشکوک به قاضی وحید خاکشور، بازپرس جنایی، اعلام شد و مقام قضایی و کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی راهی بیمارستان شدند.

با حضور تیم جنایی در بیمارستان و معاینات اولیه مشخص شد که مقتول جوانی سی ساله است که غروب شانزدهم شهریور با وضعیتی حاد به مرکز درمانی منتقل شده و پس از هشت روز، جان باخته است. مرد جوان در خیابان پیروزی ۵۹، مغازه لوازم یدکی خودرو داشته است.

آتش‌زدن پشت دخل

اطرافیان این فرد به تیم جنایی اعلام کردند که این اتفاق در مغازه لوازم یدکی رخ داده است؛ موضوعی که تیم جنایی را به محل وقوع جرم کشاند. با حضور مقام قضایی در این مغازه لوازم یدکی، نتایج تحقیقات نشان داد که عصر یکشنبه هفته گذشته فردی به این مغازه مراجعه کرده و این اتفاق زمانی افتاده که مقتول پشت دخل، درون مغازه نشسته بوده است.

بررسی های میدانی نشان داد که مهاجم ناشناس ناگهان ظرفی حاوی بنزین را به صورت ناگهانی روی این جوان پاشیده و کبریت کشیده است. پس از این حرکت مهاجم، ناگهان مرد جوان شعله ور می شود و مهاجم از محل می‌گریزد.

جوان غرق در آتش خودش را به خیابان می اندازد، آن هم درحالی که هر لحظه بیشتر شعله ور می شده است. همسایه ها و اهالی محل، شوک زده از صدای فریادهای سوختم سوختم مرد جوان، به سمت او می دوند و چندنفری به سختی آتش را خاموش می‌کنند و با پیکر نیم سوخته این فرد روبه رو می شوند. لحظاتی بعد نیز مرد سوخته به بیمارستان منتقل می شود.

شناسایی قاتل

تیم جنایی با تحقیقات گسترده و میدانی و با توجه به یافته های تصویری، هویت مهاجم را شناسایی می‌کند؛ متهمی که از لحظه وقوع حادثه متواری شده بود.

یکی دیگر از شاخه های تیم تحقیق، مشخص شدن علت اختلاف بود تا ریشه وقوع این جنایت به دست بیاید که منجر به این جنایت شده است. پیگیری کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی نشان داد که قاتل و مقتول یکدیگر را می شناخته اند و مأموران به یافته هایی رسیدند که نشان می داد پیش از این نقل و انتقالات مالی میان این دو نفر انجام شده و اختلافاتی در این بین به وجود آمده است.

در حالی این جنایت شبیه بسیاری از پرونده های قتل، ریشه در اختلافات مالی حل و فصل نشده داشت که کارآگاهان پلیس آگاهی استان با دستورات قاضی خاکشور، تحقیقات جامعی را برای دستگیری متهم به قتل آغاز کرده اند.

عکس تزئینی است

روی خط حادثه

سارق پرنده‌های زینتی در قفس

جلائیان| گروهی از کارآگاهان پلیس آگاهی، مشغول بررسی و پیگیری پرونده چندین فقره سرقت از منازل مسکونی بودند که یک سرقت جدید در شمال شهر رخ داد؛ سرقتی که در منطقه ابوطالب رخ داده بود و مال‌باخته به شدت نگران اموال از دست داده خود، به‌ویژه ۱۰ جفت پرنده زینتی‌اش بود، هرچند سارق یا سارقان از خانه‌اش اموال دیگری از جمله تلویزیون، مایکروفر و... نیز به ارزش ۱۰۰ میلیون تومان برده بودند. مأموران با حضور در محل سرقت به شواهدی دست پیدا کردند که نشان می‌داد یک سارق، پس از نفوذ شبانه به داخل این واحد مسکونی اموال صاحب خانه را سرقت کرده و سرنخ‌های مهمی به جا گذاشته است؛ سرنخی که تیم رسیدگی‌کننده پرونده، با دنبال‌کردنش موفق به چهره‌زنی متهم شد. با به دست آمدن تصویر متهم، مأموران با استفاده از تجهیزات نوین و پایگاه اطلاعاتی مجرمان سابقه‌دار، موفق به شناسایی متهم شدند و او را دستگیر کردند. در ادامه رسیدگی به این پرونده، مأموران محل اختفای او را ردزنی و پس از هماهنگی با مقام قضایی، متهم را در یک عملیات ضربتی دستگیر و به مقر پلیس آگاهی منتقل کردند. متهم پس از انتقال، در مواجهه با ادله و مستندات پلیس، در بازجویی به پنج فقره سرقت وسایل منزل در محدوده بولوار موسوی قوچانی، ابوطالب و هدایت اعتراف کرد.

کشف سوخت خودروهای سنگین از یک گاراژ

بخشنده| کشف چند محموله سوخت قاچاق در محدوده شهرک صنعتی طرق، حساسیت ویژه‌ای در میان کسبه و گاراژهای خودروهای صنعتی این منطقه ایجاد کرد. به واسطه همین حساسیت بود که یکی از تعمیرکاران خودروهای سنگین، پس از مشاهده تخلیه سوخت گازوئیل در گاراژ همسایه‌اش، از این موضوع به سادگی نگذشت و موضوع را به پلیس گزارش کرد. مأموران کلانتری شهرک طرق این گاراژ را به صورت نامحسوس زیر نظر گرفتند. هم‌زمان با حضور مأموران در محل، یک خودروی وانت تانکردار وارد این گاراژ شد. این وانت به انتهای گاراژ رفت و محموله خود را در یک مخزن بزرگ تخلیه کرد. پس از تخلیه سوخت، مأموران با هماهنگی مقام قضایی وارد گاراژ شدند و بدون فوت وقت به محل استقرار مخزن رفتند؛ مخزنی که در آن ۲ هزار و ۷۰۰ لیتر گازوئیل قاچاق و خارج از شبکه توزیع فراورده‌های نفتی کشف شد.

دستگیری در لحظه سرقت

جلائیان| هوا داشت تاریک می‌شد، اما مرد جوان عینک آفتابی‌اش را از روی صورت برنمی‌داشت. او با پلاستیک مشکی که به همراه داشت کنار یک خودروی سواری ایستاد و مشغول بازکردن در یک دستگاه سواری پراید شد؛ کاری که برای او چند ثانیه طول می‌کشید، حتی اگر خودرو مجهز به قفل فرمان بود. مرد جوان اما نتوانست قفل در این خودرو را بازکند و در حالی‌که همه حواسش به بازکردن این در بود، مأموران کلانتری سپاد او را احاطه و دستگیر کردند. متهم که یک دستگاه دریل شارژی، ضبط و عینک آفتابی مسروقه به همراه داشت، پس از انتقال به کلانتری سپاد در بازجویی اولیه به پانزده فقره سرقت از خودروهای سواری مناطق شهرک نوید، کشاورز، طرحچی و شهرک حجت اعتراف کرد.

عملیات منتصریه برای نجات جان ۱۰ بیمار

خبر

جلائیان| روز گذشته، دو جراحی اهدای عضو در بیمارستان منتصریه با ایثار دو خانواده سبزواری و نیشابوری انجام شد؛ خانواده‌هایی که درمجموع برای نجات جان ۱۰ بیمار با انتقال پیکر عزیزانشان به بیمارستان منتصریه مشهد موافقت کردند. پس از این انتقال نخستین اهداکننده که پسری شانزده‌ساله بود، به اتاق عمل رفت. این نوجوان که «مهدی شرفی» نام داشت، به‌دنبال یک حادثه، در بیمارستان امدادی شهید بهشتی سبزوار بستری شد. تلاش پزشکان سبزواری برای نجات جان این نوجوان سودی نداشت و باوجود تمام تلاش‌ها، او مرگ مغزی شد. نوجوانی که خانواده‌اش وقتی از بازنگشتن او به زندگی مطمئن شد، با انتقال پیکر مهدی به مشهد برای انجام عمل اهدای عضو و نجات جان چند بیمار موافقت کرد. با اعلام رضایت این خانواده، پیکر مهدی از سبزوار به بیمارستان منتصریه مشهد منتقل شد؛ بیمارستانی تخصصی که در آن تیم درمانی با پیوند کلیه‌های مهدی، جان دو نوجوان سیزده و چهارده‌ساله را نجات داد. پس از پیوند موفقیت‌آمیز کلیه‌ها به این دو نوجوان که اهل قوچان و مشهد بودند، تیم جراحی، کبد اهداکننده را به یک زن شصت‌وسه‌ساله اهل تایباد پیوند زد. پس از پیوند این سه عضو حیاتی، نوبت به دو قرنیه و بخشی از پوست مهدی رسید که تیم درمانی آن‌ها را برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی و بیمارستان امام رضا(ع) فرستاد. پس از انجام موفقیت‌آمیز این پیوند عضو، نوبت به اهداکننده دیگری رسید که از نیشابور به مشهد منتقل شده بود؛ اهداکننده پنجاه‌ویک ساله‌ای به نام «محمد مسیح‌آبادی» که به تشخیص پزشکان بیمارستان حکیم نیشابور، دچار مرگ مغزی شده بود. پس از تأیید مرگ مغزی این مرد میان‌سال، خانواده‌اش با انتقال پیکر او به مشهد برای انجام عمل اهدای عضو موافقت کردند. با فراهم‌شدن مقدمات دومین عمل اهدای عضو، پیکر زنده‌یاد مسیح‌آبادی به اتاق عمل منتقل شد؛ جایی‌که در آن تیم جراحی، کبد او را به مردی شصت‌وهشت‌ساله پیوند زد. پس از نجات این مرد میان‌سال که سال‌ها درگیر بیماری نارسایی کبد بود، تیم پزشکی دو قرنیه و بخشی از پوست این مرد نیشابوری را برای پیوند به بانک چشم دانشگاه و بیمارستان امام رضا(ع) ارسال کرد.
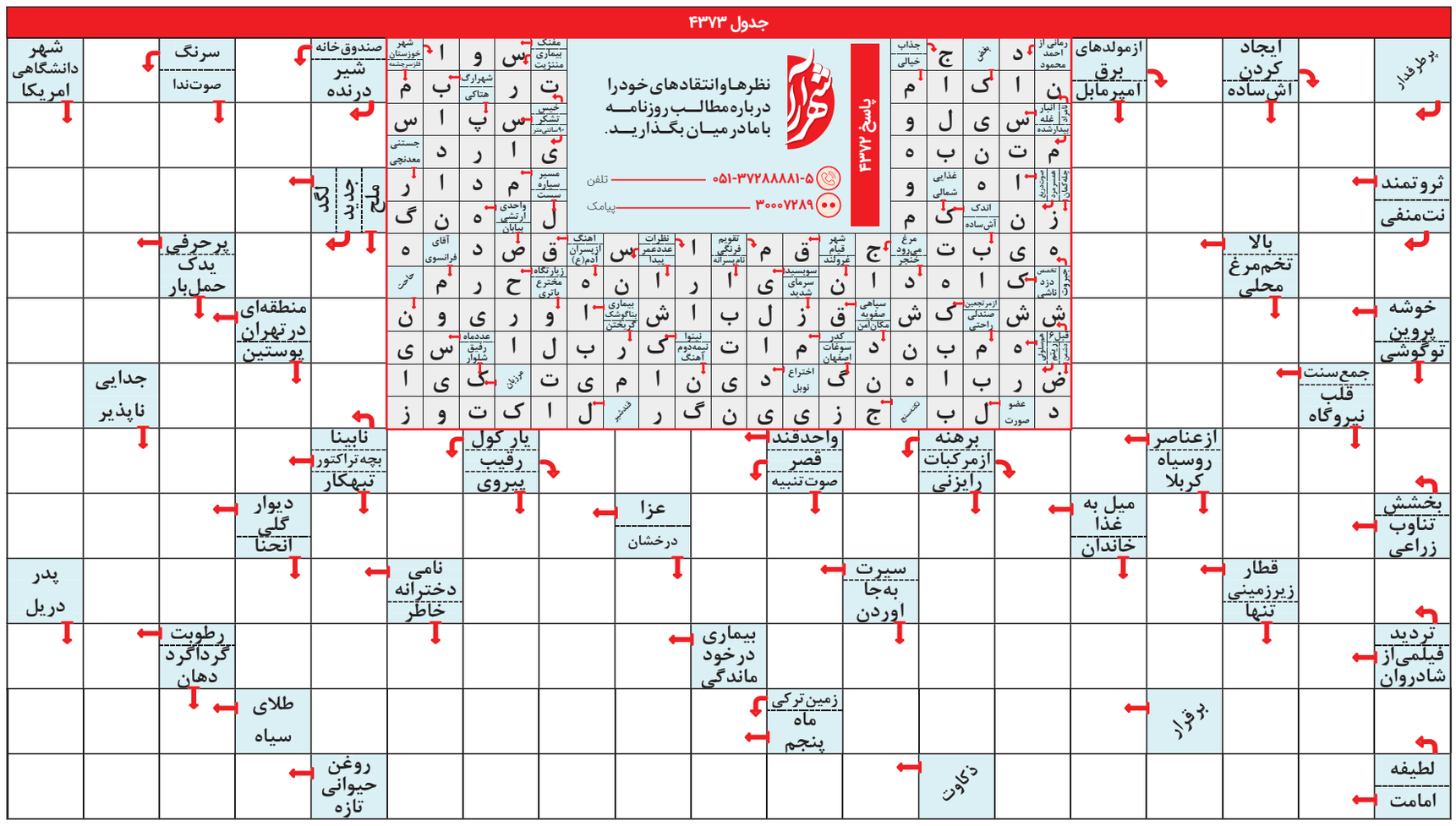
جدول ۴۳۷۳